



قدم اول

«قدم اول» نگاهی است مختصر به آنچه پیش روی شماست.

۳ «آیین» درباره آیین‌های زمستان‌گذرانی است؛ آیینی که پس از فصل زمستان که به اندازه تاریخ ایران زمین قدمت دارد. آیین «گرد به کوه»، شکل دیگری از جشن سده است که با برخی اندیشه‌های باستانی منطقه رباط مراد، بومی شده است.

۶ «توان» درباره اشتغال تازه‌ای است که زنان یکی از روستاهای خراسان، برای خودشان دست و پا کرده‌اند. خانم‌های چاه‌نسری حالا علاوه بر رسیدگی به بچه‌ها و سر زدن به بز و گوسفندها و مرغ و خروس‌ها، باید به حواس‌شان به پتل‌ها هم باشد.

۸ صفحات «تاریخ» درباره «کوه خواجه» است؛ کوهی که در میان همه ادیان باستانی ایران زمین کوهی مقدس به شمار می‌آید. به باور مردمان گذشته سیستان برای آشنایی با کوه خواجه بهتر است سری به دنیای افسانه‌ها و داستان‌های کهن بزنیم. قصه‌هایی که به نشان یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به دوره‌های تاریخی متفاوت است.

۱۲ «مکان‌نما» روایتی است از مکان؛ معرفی مختصری است از مکان‌های دوست‌داشتنی از پنجره ذهن آدم‌ها. چنار پیر خامنه، یکی از کهنسال‌ترین درختان جهان است در قلب شهرستان کوچکی در هفتاد و چند کیلومتری شمال شرق تبریز که جمعیتش به زحمت به ۳ هزار نفر می‌رسد.

۱۳ «سوغاتی» درباره سوغاتی‌هایی است که از هنر دست آدم‌ها پدید می‌آید. عروسک‌های حاجی‌بیگی هیچ‌کدام شبیه دیگری نیستند و هر کدام پوشش و اسم خودشان را دارند.

۱۴ «گل‌گشت» درباره شهری است که در بیشتر روزهای زمستان عنوان سردترین شهر ایران را دارد. برف که می‌بارد بازار یک خوراکی را هم در سقز داغ می‌کند. داغی «شورمه» سرمای زمستان را کم می‌کند. شورمه نام غذایی محلی در میان کردهاست.

۱۶ «خیابان غذا» درباره راسته شلوغی است در اهواز؛ راسته‌ای که حالا یکی از جاذبه‌های دیدنی این شهر شده است. فلافل فروش‌های لشکرآباد، هم مشتری‌های ثابت دارند و هم پاتوق آن‌هایی که به این شهر سفر می‌کنند.

سیستم تیم بانوان ایران در جام ملت‌های فوتبال آسیا فاش شد

یک کودک، یازده زن یک ملت

هدیه‌سادات میر مرتضوی

حتی تصورش هم دشوار است چه برسد به اینکه بتوانی عملی‌اش کنی. این‌که همسر باشی، هافبک تیم ملی فوتبال بانوان هم باشی، برای مسابقات جام ملت‌های آسیا هم سرسختانه تمرین کنی و این وسط، فرزندی را نیز به دنیا بیاوری تا بهشت خریدار قدم‌هایت شود.

حتماً باید خیلی سخت باشد که بعد از زایمان، با تمرینات جسمانی سنگین و زیاد، بدنت را آن قدر سریع روی فرم بیاوری که پنج ماه بعد به هم‌تیمی‌هایت ملحق شده باشی تا در کشور هندوستان، برای دفاع از نام ایران و سر بلندی کشور در مسابقات جام ملت‌های آسیا سرسختانه بجنگی.

ولی مادر «آرنیکا» کسی بوده که یک تنه همه این‌ها را انجام داده است. برای اثبات توانایی‌هایش به خودش، برای ارادت به وطنش و برای عشق به دخترش. او که اسم قشنگش آرنیکا است و معنی‌اش دختر نیکو رفتار آریایی. فامیلش پایی است و حالا دیگر نه فقط ایرانیان که خیلی از جهانیان او را به عنوان کوچک‌ترین عضو دوازده تیم حاضر در مسابقات فوتبال بانوان جام ملت‌های آسیا و شیرین‌ترین ساکن اردوی تیم فوتبال اعزامی بانوان ایران در هندوستان می‌شناسند. اسمش آرنیکا است و این روزها بمب انرژی اردوگاه بانوان فوتبال‌بست ایرانی شده است. طوری که اگر هر روز قبل و بعد از هر تمرین سخت و هر بازی، به دیدنش نیایند، گونه‌های نرمش را نوازش نکنند و از خنده‌های دلبرانه‌اش، قند توی دل هایشان آب نشود، آن روز برایشان شب نمی‌شود.

انگار آرنیکا با همه کوچکی‌اش آینه بی‌نهایتی شده تا در چهره حیرت‌زده، چشمان گرد و کنج‌کاو و لب‌های خندان گوشت‌آلودش، همه قشنگی‌های دنیا را بتابد و چهره عزیزانی را منعکس کند که حالا روزهاست از بانوان ورزشکار اردوگاه فرسنگ‌ها دور افتاده‌اند. عزیزانی مثل مادر، پدر، خواهر، برادر، همسر و فرزند.

حضور دخترک پنج ماهه در کنار اعضای تیم، این روزها حساسی خبرساز شده است. آرنیکایی که فرزند الهام فرهنگد سودرجانی هافبک ۲۸ ساله اهل فلاورجان اصفهان است. مادری ملقب به دیوید بکهام ایران و مهندس لیگ برتر فوتبال زنان. مادری افتخار آفرین که با وجود محدودیت‌های ورزشی این رشته، پله به پله با تلاش، خودش را به لیگ برتر و تیم ملی رسانده است تا امسال برترین گل‌ساز فصل لقب گیرد. آن هم در دنیای پر هیاهوی ورزش زنان.

دنیایی که حضور حرفه‌ای در آن، کار آسانی نیست و به دلیل محدودیت‌ها و تفاوت‌های جامعه در حال توسعه ایران، همیشه برای ورزشکارانش پر بوده است از جنجال‌های رسانه‌ای و خبرهای حاشیه‌ساز و گاهی همراه با دروغ‌های شاخ‌دار و عجیب و غریب. یک روز درباره حرف‌های تند و تیز فلان ورزشکار که با کلی مدال و افتخار یک‌هوشه تصمیم به مهاجرت و پناهندگی می‌گیرد و مغضوب عالم و آدم می‌شود.

یک روز با حاشیه‌های خبری داغ بانوی سرمربی ورزشکاری که به دلیل عدم رضایت همسرش از خروج از کشور و شرکت در مسابقات بین‌المللی کشور ایتالیا بازمی‌ماند و از یک طرف همسرش و از یک طرف خودش بیانیه‌هایی متناقض منتشر می‌کنند.

یک روز با تیتیر اخبار مربوط به زهره کودایی دلاوری با اصالت بختیاری از سرزمین خوزستان که بعد از سنگربانی جانانه‌اش از دروازه تیم ایران در مسابقات مقدماتی جام ملت‌های آسیا مورد هجمه رسانه‌های تیم حذف شده اردن قرار می‌گیرد و کار به شکایت می‌کشد.

و یک روز درباره ورزشکاری که به نام الهام فرهنگد که نمی‌خواهد نه همراهی‌اش با تیم ملی را از دست بدهد و نه دلش می‌آید از جگر گوشه‌اش جدا شود. اینجاست که همسری افتخار می‌آفریند، دوندگی می‌کند و با مراجعه به فدراسیون فوتبال اعلام می‌کند حاضر است حتی ماشین زیر پایش را بفروشد ولی هزینه سفر دخترکش را فراهم کند مبادا از مادرش جدا شود. تلاش‌ها نتیجه می‌دهد و سرانجام آرنیکای کوچک همراه مادر بزرگ، شگفت‌انگیزترین خبر روزهای اخیر ورزش بانوان را رقم می‌زند و راهی سرزمین ۷۲ ملت می‌شود تا علی‌عالی دستیار ویژه رئیس فدراسیون فوتبال در یادداشتی، با زیباترین واژه‌ها این ماجرا را تشریح کند:

«داستان تیم ملی زنان در نخستین حضورشان در جام ملت‌های آسیا، این بار از چشمان آرنیکا روایت می‌شود. دختر کوچک الهام فرهنگد و حسین پایی. او حالا کوچک‌ترین فرد میان دوازده تیم حاضر در جام ملت‌های زنان آسیاست. آرنیکا؛ نماد تیم ملی فوتبال زنان ایران. همه بازیکنان و کادر فنی تیم ملی زنان، ضربان قلبشان را موقع بازی با ضربان قلب آرنیکا تنظیم می‌کنند. همه می‌خواهند برای او بازی کنند. خاطرم هست مادر و پدر آرنیکا اصرار داشتند او حتماً با تیم بماند، حتی شده ماشینشان را بفروشد و خرج سفر کنند. موضوع را با رئیس فدراسیون طرح کردم و موافقتش را اعلام کرد: «هر کاری لازم است انجام دهیم». آقای کامرانی‌فر، دبیر کل فدراسیون پیگیر کار شد، تأییدیه‌ها را از کمیته پزشکی و فدراسیون گرفت و دفاع جانانه‌ای در شورای برون مرزی وزارت ورزش کرد و نظر موافق‌شان را گرفت. پدر در محضر، تعهد داد و با دستور رئیس، همه هزینه‌ها را فدراسیون تقبل کرد تا بچه‌ها همراه مادر بزرگش در مسابقات حضور داشته باشند. اتفاقی بی‌سابقه در فوتبال ایران». آرنیکا فرزند ایران زمین، حالا در هندوستان است. مهم نیست تیم چه نتیجه‌ای بگیرد، حتی مهم نیست که این تیم در بازی دومش، ۷ تا گل خورد؛ تیمی که سال‌ها با قوانین ظالمانه بین‌المللی، سرسختانه جنگیده است تا به جایگاه فعلی‌اش برسد. مهم این است که این تلاش‌ها نتیجه داده است. آرنیکا، حالا سمبل زن آینده ایران است. زنی که راهش را خوب می‌داند و مسیر را هر چقدر صعب‌العبور باشد، بدون هراس طی می‌کند تا به حقش برسد. با تلاش، با عشق و با دعای خیر و حمایت‌های یک ملت در پشت سرش.